

# سندیکا

## درهای این خانه قدیمی و آشنای کارگران را بگشائید

ارس احمدی - آشوب

این بحر وجود، آمده بیرون ز نهفت  
کس نیست که این گوهر تحقیق بسفت  
هر کس سخنی از سر سودا گفتند  
زان روی که هست کس نمی داند گفت

### خیام

### پیشگفتار

واژه سندیکا برای بسیاری، به خصوص نسل جوان کشور جدید و نارس به نظر می رسد؛ حال آنکه از عمر واقعی این واژه در ایران بیش از صد سال می گذرد. این مهم البته به همت کاتبان خود فروخته تاریخ، موسسات تاریخ سازی و آکادمی های کبیر و صغیر امپریالیسم و اقمارش در سراسر گیتی، در هر کجا که نهال مقاومت رستن گرفت به وقوع پیوسته است. عجیب نیست که در ایران با چنین سابقه ی عظیم مبارزه سندیکایی، موضوع سندیکا تازه و نارس به نظر می رسد. با تاریخ نهضت کارگران و زحمتکشان و مبارزان راه طبقات محروم ایران همان رفته است که با تاریخ تمام نهضت های خلق در جهان.

بی شک برای خوانندگان جالب خواهد بود که بدانند جنبش کارگری و سندیکایی پیش تر در ایران از چنان قدرتی برخوردار بود که توانست ۸ ساعت کار روزانه و قوانینی از این دست را به وثوق الدوله تحمیل کند. تصادفی نیست که نوجوانان دیگر رمقی برای خواندن تاریخ ندارند از آن رو که هر دم و هر آن مثنی تحریف تکراری را به عنوان تاریخ کشورشان از بر می کنند و از این انژکسیون تلخ، مسلما عبرت خواهند گرفت آندم که با واقعیت تلخ تاریخ خود به مدد محدود اسناد باقی مانده از گذشته روبرو گردند. درسی بزرگ خواهند گرفت و آنطور که گوته در فاوست می گوید: "بدی تاریخ می نویسد و خوبی سکوت اختیار می کند"، خواهند آموخت که در تاریخ تحریف شده شان اکثر وقایع وارونه جلوه داده شده است و یا بالکل قلم گرفته شده است. به راستی صاحبان زر و زور نمی خواهند نسل جوان جوامع بشری از حماسه ها و مقاومت های تاریخی خلقشان در گذشته ی خونین آگاه شوند و از تمام توان مادی خود بهره می جویند تا واقعیت تاریخی جنبش های مبارزاتی را به لجن کشیده و اندک اندک آنان را از صفحات تاریخ بردارند.

تحریف تاریخ جنبش های کارگری و جریانات و احزاب حامی حقوق حقه این طبقه بخش مهمی از جنگ روانی سرمایه داری امپریالیسم جهان علیه طبقات ستم کش می باشد. هر روز بر شمار دانشگاه ها، آکادمی ها و موسسات علمی که مامور اجرای این پروژه شوم هستند افزوده می شود. فرمانداری نظامی تیمور بختیار و ساواک نخستین آکادمی های علوم اجتماعی در ایران بودند که تحریف تاریخ احزاب چپ و جنبش کارگری را آغاز نمودند.

موارد زیر تنها بخش کوچکی از این گونه تاریخ سازی ها پیش از انقلاب بوده است:

- سیر کمونیزم در ایران، از شهریور ۱۳۲۰ تا فروردین، تهران ۱۳۳۶
- کتاب سیاه درباره سازمان افسران حزب توده، با مقدمه تیمور بختیار، تهران، ۱۳۳۴
- کمونیزم در ایران (تاریخ مختصر کمونیست ها در ایران)، منتسب به سرهنگ علی زیبایی (جنایت کار معروف ساواک)، تهران ۱۳۴۴

- مجله عبرت

- و ...

همچنین نباید نقش ارزنده جریانات مسموم چپ نما را نیز که بخشی از پروژه ی انهدام تاریخ جنبش کارگری بوده و هستند از قلم انداخت. پروژه ای که آنان به ثمر رساندند همانا ایجاد تفرقه و سست کردن پایه های جنبش کارگری و عدالت خواهانه بوده است. کینه توزی وجه غالب اینان است و در مجموعه نوشتارها و بیاناتشان حتی یک صفحه که بوی جدی بودن بدهد نمی توان یافت. کارشان چیزی نیست جز لجن مال کردن تاریخ جنبش کارگری و تمامی مبارزین بر حق این راه. امپریالیسم و اقمارش به مدد ساده لوحی همین جریانات، پروژه تخریبی خود را سامان داد. اینان خواسته و ناخواسته به بانیان تحریف تاریخ جنبش کارگری ایران بدل گشتند. بی شک تاریخ هویت واقعی آنان را رو خواهد کرد و شرح توطئه ها و همدستی های گسترده آنان با ایادی امپریالیسم بر همگان عیان خواهد شد.

اولین اتحادیه کارگری در ایران که با ساده ترین و محقر ترین شکل ممکن در چاپخانه ای کوچک در تهران به سال ۱۲۸۴ متولد شد، کم کم جای خود را به خیل عظیم جنبش های سندیکایی سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ داد. در این مدت کوتاه و با سازمان دهی سیاسی حزب توده ایران، این جنبش در قالب "شورای مرکزی اتحادیه های حرفه ای" هم از لحاظ کمیت و هم از لحاظ کیفیت رشد کرد و اعتصابات گسترده ای را سازمان داد. رنگی از این حماسه ها در اکثر کتب تاریخی دیده نمی شود و اگر تلاش ارزنده پروفیسور آبراهامیان در خلق کتاب "تاریخ ایران بین دو انقلاب" نبود بی شک نمی توان گفت این اوباشی گری تا کی ادامه می یافت. این جنبش های اتحادیه ای، کارگری و سیاسی در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در خون غلطیدند. اعضا و سازمان دهندگان این جریانات با اتهاماتی نظیر "قیام علیه سلطنت مشروطه"، "تدارک قیام مسلحانه"، "توطئه کودتا"، "نقض انضباط ارتش و ایجاد سازمان نظامی" و امثال آن به جوخه های اعدام فرستاده شدند. چندی از این جنایت خون بار نگذشت که این بار ورق برگشت؛ این بار شکل اتهامات تغییر کرد. گفتند اینان مدافع سلطنت مشروطه بوده اند، با حکومت ساخت و پاخت کرده اند، رویویزیست بوده اند، از اسلحه می ترسیدند و ...

امروز هم با گذشت ایام با وجود تجارب ارزنده جنبش های طبقه ستم کش در جهان، داستان در ایران همچنان ادامه دارد. دروغ پشت دروغ. کینه توزی پشت کینه توزی. لذا باز هم تکرار می کنم، نکته ی مهم در این باب این است که توجه داشته باشیم این موارد صرفاً یک سری خصومت های شخصی و تصادفی نمی باشد. این پروژه ای ست به درازای قرن بیستم و چند سال آغازین قرن بیست و یکم و هدف آن تخریب و تحریف جنبش کارگری و حامیان و مبارزان آن در تمام دنیا می باشد. بر ماست که با جمع آوری اسناد و مدارک تاریخی جلوی این تحریف گسترده را بگیریم و نسل های آینده را از تاریخ واقعی کشورشان آگاه نماییم.

در فاصله سال های پس از سرکوب جنبش کارگری و سندیکایی به طور مشخص پس از کودتای ۲۸ مرداد، کمتر جریانی به نقد خود پرداخت و حوادث آن دوران کم کم به پستو رانده شد. این اتفاق نامیمون البته تصادفی نبود. زیرا در نظر بسیاری پسندیده می آمد که مسایل آن دوران در هاله ای از ابهام باقی بماند. اکثر باقی ماندگان جبهه ملی که سعی در حفظ این جبهه پس از کودتا داشتند به هیچ وجه در جهت روشن کردن خطاهای این جبهه در آن دوران بر نیامدند. بسیاری از این افراد از نزدیکی های خود با مصدق به عنوان سرمایه سیاسی سود جستند و هر چه بیشتر برای طرح خود اقدام کردند. پس از کودتا، این افراد دو بار کنگره تشکیل دادند و جبهه ملی دوم و سوم را در خارج از کشور اعلام نمودند ولی باز در مورد اشتباهات جریان خود سکوت کردند و طبق روش ساواک تقصیر را به گردن جریانات چپ بالاخص حزب توده انداختند. حزب ایران در حدود سال های انقلاب ۵۷ دو جزوه با نام های "برای آگاهی نسل جوان" و "تاریخچه جبهه ملی ایران" در مورد حوادث

سال های ملی شدن صنعت نفت منتشر کرد که در آن ها هیچ حرف و سند تازه ای یافت نمی شد و بسیار به کتب منتشر شده ایادی ساواک در سال های پیش از انقلاب برای خرد کردن اعتبار سیاسی چپ در ایران شباهت داشتند.

از افراد وابسته به جریانات چپ نو پیش از انقلاب نیز کسانی سعی در بررسی حوادث آن دوران کردند. از آن جمله اند تحقیق بیژن جزنی در کتاب "تاریخ سی ساله ایران" و "۲۸ مرداد و حزب توده" نوشته حسن ضیاء ظریفی. این دو کتاب با وجود آن که توسط دو آزاده نوشته شده اند ولی به واسطه آنکه این دو مبارز در رژیم گذشته تحت تعقیب و یا زندانی بوده اند، اغلب اسناد آنان مربوط است به اخباری که در زندان خوانده و یا شنیده اند و هیچ گاه فرصت جستجوی عمیق را نداشته اند.

متأسفانه در شرایط حاضر در دانشگاه ها و در سطوح بالای علمی باز هم به اسناد و منقولات غیر صحیح رجوع می کنند. برای نمونه کتب حسین مکی در مورد حوادث سال های ۳۲ هنوز هم مرجع است و از آن استفاده می شود. محض اطلاع خوانندگان محترم عرض می کنم که حسین مکی در فاصله ی سال های ۳۲ مرادوات مستحکمی با سران و بانیان کودتا چون از هاری و مظفر بقایی داشته است. جالب آن که این فرد پس از انقلاب همچنان به تحقیقات شگرف خود ادامه داد و امروز نیز بسیاری اساتید تاریخ به نوشته ها و نظرات وی در باب ۲۸ مرداد و سرکوب جنبش کارگران و جنبش ملی شدن صنعت نفت استناد می کنند.

در مقاله ی چند بخشی پیش رو سعی می شود تا حدودی به چگونگی شکل گیری، کیفیت و کمیت جنبش سندیکایی کارگران در تاریخ ایران پرداخته شود. مطالب تا حد ممکن خلاصه، آماروار و جمع بندی شده ارائه شده اند تا از حوصله یک ماهنامه دانشجویی خارج نشود. لذا وظیفه اصلی بر دوش خوانندگان است که با ردیابی خطوط اشاره شده در این مقاله و مقالاتی از این دست موضوع را به طور تشریحی دنبال کنند و اسناد مربوط به آن را جمع نموده و به تکمیل این قبیل تحقیقات بپردازند. کپی، چاپ، استفاده شخصی یا غیر شخصی از بخش یا تمام این مقاله بر همگان آزاد است.

## بخش نخست

### جنبش سندیکایی ایران در فاصله سال های ۱۲۸۴ تا ۱۳۳۲

"ما خود را به جهان همچون آموزه پردازانی معرفی نمی کنیم که به اصولی تازه دست یافته اند: اکنون این است حقیقت، در برابر آن به زانو بیفتید! ما به جهان اصولی را ارائه می دهیم که جهان در دامن خود آن را پرورانده است." [1]

### سال های ۱۲۸۴ تا ۱۳۰۴

تکوین طبقه کارگر ایران (طبقه محروم از وسایل تولید که برای امرار معاش چاره ای جز فروش نیروی کار خود ندارد) به دوران گذار جامعه ایران از مناسبات فئودالی (ارباب-رعیتی) به روابط سرمایه داری یعنی نیمه دوم قرن ۱۳ شمسی بر می گردد. این دوران همزمان است با حرکت سرمایه داری پیشرفته کشورهای غربی به سمت امپریالیسم. در این دوران است که رفته رفته تولید و سرمایه متمرکز شده و شاهد انحصارها در مقیاسی جهانی و شکل گیری الیگارشی مالی (حاکمیت گروه کوچک بانکداران بزرگ بر اقتصاد جهان) هستیم. گسترش روابط پولی (کالا- پول)، محدودیت اقتصاد جنسی، توسعه اقتصاد روستائی تجاری، گسترش کارمزدی در شهر و ده، پیدایش صنایع بزرگ ماشینی از شاخصه های این

دوران است. رشته‌هایی از کشاورزی و صنعت که محصولاتشان برای سرمایه انحصاری امپریالیستی ضروری ست بدین وسیله رشد می‌کنند. اقدامات امیرکبیر برای تقویت صنایع ملی مستقل در تقابل با صنایع مربوط به منافع امپریالیست‌ها نیز نتوانست جلوی این شکل انحصاری رشد صنعت را بگیرد. برای نمونه کارخانجات نخ‌ریسی تهران، قندساری، بلورسازی و چینی‌سازی تهران، قم و اصفهان، چدن‌ریزی و آهن‌سازی، تفنگ و فشنگ‌سازی پس از مدتی از کار افتادند. تنها چهل سال بعد یعنی پیش از انقلاب مشروطه است که موج دیگری از رشد صنایع ملی را شاهد هستیم.

سال‌های ۱۲۸۴ تا ۱۲۹۰ را می‌توان دوران تولد جنبش سندیکایی کارگران ایران نامید. در دوران انقلاب مشروطه بسیاری از کارگرانی که برای کار به روسیه رفتند، با افکار سوسیال‌دموکراسی در باکو و عشق‌آباد آشنا شدند. بدین وسیله و تحت تاثیر انقلاب ۱۹۰۵-۱۹۰۷ روسیه، اولین اتحادیه کارگری در چاپخانه‌ای کوچک در تهران به سال ۱۲۸۴ تأسیس شد. پیرو این اتفاق اتحادیه‌های فراوان دیگری نه صرفاً در تهران بلکه در سایر شهرهای ایران چون مشهد، تبریز و بندرانزلی نیز شکل گرفتند. شعارهایی نظیر ۸ ساعت کار، زمین برای دهقان و شعار جمهوری برای نخستین بار توسط این اتحادیه‌ها و اعضای آن‌ها در انقلاب مشروطه مطرح گردید.

با فرا رسیدن انقلاب اکتبر در روسیه تزاری و شکل‌گیری اولین حکومت سوسیالیستی در جهان به رهبری ولادیمیر ایلیچ لنین، و پیرو تاثیرات عمیق جهانی این انقلاب بر تمامی کارگران و اقشار محروم جهان، جنبش سندیکایی کارگران ایران نیز گسترش قابل ملاحظه‌ای کرد. از دیگر علل رشد کمی این جنبش، رشد نیروهای مولد و افزایش تعداد کارگران ایران بود. جنبش‌های ضد امپریالیستی و کمربند مقاومت جهانی بر ضد سرمایه‌داری و در دفاع از حقوق طبقه ستم‌کش کارگر، در سراسر جهان پدیدار شدند و این عامل جهانی نیز تاثیرات کیفی گسترده‌ای بر جنبش سندیکایی ایران گذاشت به گونه‌ای که در سال ۱۲۹۹، تعداد سندیکاها در ایران به ۱۵ سندیکا رسید. چندی نگذشت که "شورای اتحادیه‌های تهران" و در ادامه "شورای مرکزی اتحادیه‌های حرفه‌ای" کارگران ایجاد گردید. این شورا به سرعت رشد نموده در حوالی سال ۱۳۰۴ بیش از ۳۰۰۰۰ کارگر و کارمند بدان پیوستند. از ثمرات فعالیت کارگران در این دوران چندین اعتصاب طویل‌المدت چون اعتصاب ۱۴ روزه کارگران چاپخانه‌ها و اولین اعتصاب نفت‌آبادان، و همچنین پذیرش "شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگری" ایران در سازمان بین‌المللی کارگران (سندیکای جهانی کارگران) می‌باشد. دولت و ثوق‌الدوله تحت تاثیر این فشارها مجبور به پذیرش ۸ ساعت کار و آزادی فعالیت‌های سندیکایی گردید.

مجموعه این فعالیت‌های چشم‌گیر و مسائل جنگ جهانی دوم، از جمله عواملی بودند که امپریالیست‌ها را به تدارک کودتای ۱۲۹۹ و به قدرت رسانیدن رضاخان میرپنج‌واداشت. بدین وسیله طبقات حاکم فئودال-ملاک و بورژوازی تجاری کمپرادور شده (دلالت) را به مردم ایران حفته کردند.

### سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۰

سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۰ مقدمه سرکوب جنبش سندیکایی کارگران ایران می‌باشد. نتایج سرکوب آزادی‌های سیاسی در دوره رضاخان همانا قداغ کردن فعالیت "شورای مرکزی اتحادیه‌های حرفه‌ای" در ۱۳۰۴، غیرقانونی ساختن فعالیت‌های سندیکایی و اتحادیه‌ای در ایران، جلوگیری از فعالیت حزب کمونیست ایران، تصویب قانون معروف به "قانون سیاه" و اضمحلال واقعی قانون اساسی و متمم آن بود.

با توجه به جو ترور و شکنجه در دوران رضاخان توسط شهربانی "مختاری"، زندان قصر "پزشک احمدی"، و دادگستری "داور"، در این دوران فعالیت‌های کارگری بیشتر در

خفا صورت می پذیرفت. از جمله می توان به اعتصابات کارگران نفت و راه آهن و صنایع نساجی در دوران رضا خان اشاره کرد که ضربات سختی را به حکومت رضاخان وارد نمود. اعتصابات بزرگی نظیر اعتصاب کارگران نفت در جنوب در ۱۳۰۸ و ۱۳۱۰، اعتصاب کارگران راه آهن در ۱۳۰۷ در شمال، اعتصاب ۸۰۰ نفری کارگران راه آهن در ۱۳۱۱ نمونه های بارز این مقاومت بودند.

### سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶

سال های آغازین دهه ۲۰ در ایران بی شک یکی از بزرگ ترین نقاط قوت جنبش کارگری ایران به شمار می رود. به مدد آزادی محدود پدید آمده پس از شهریور ۱۳۲۰، و در خلال انتقال قدرت از رضا پهلوی به محمدرضا پهلوی، فرصت کوتاه و البته راه گشایی برای سندیکاها و اتحادیه ها و جریانات سیاسی مدافع طبقه کارگر پدید آمد تا بار دیگر فعالیت خویش را از سر گیرند. نقطه بارز این دوران نمود برجسته سیاسی حزب توده ایران به عنوان سازمان دهنده اعتصابات کارگری سال های پس از ۱۳۲۰ می باشد. این حزب در مهرماه ۱۳۲۰ توسط برخی از بازماندگان جریان موسوم به ۵۳ نفر تاسیس شد و به سرعت پس از سال های ۲۰ توانست نبض حرکت های کارگری آن سال ها را به دست گیرد.

با توجه به سرکوب های رضاخانی مراحل شکل گیری جنبش کارگری ملی از نو آغازیدن گرفت. ابتدا اتحادیه ها و سندیکاهای کوچک، سپس تشکل کارگران در سازمان وسیع سندیکایی، در ادامه "شورای مرکزی اتحادیه های کارگران" ایران در ۱۳۲۱ با ۳۰ هزار عضو، و در نهایت "شورای متحده مرکزی اتحادیه های کارگران و زحمتکشان" ایران در اول ماه می ۱۳۲۳ از اتحاد چهار مرکز سندیکایی شکل گرفتند.

چندی نگذشت که سندیکای کارگران نفت خوزستان نیز به شورای متحده پیوست و بدین وسیله بیش از ۳۰۰۰۰۰ نفر از کارگران ایران زیر پرچم شورای متحده مرکزی گرد آمدند و به بزرگ ترین سازمان سندیکایی خاورمیانه بدل گشتند. این تشکیلات در ۱۳۲۵ به عضویت "فدراسیون سندیکاهای جهانی" در آمد. کلیه احزاب سیاسی موجود در ایران در فاصله این سال ها اعم از حزب توده ایران، حزب ایران، حزب سوسیالیست ایران، حزب جنگل و فرقه دموکرات آذربایجان، این شورا را به عنوان یگانه مرکز سندیکایی ایران به رسمیت می شناختند.

از زمره اعتصابات مهم این دوره که زیر نظر شورای متحده صورت می پذیرفت می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- اولین اعتصاب ۶ روزه ۱۰۰۰۰ نفر از کارگران نفت در خرداد ۱۳۲۴ در نفت کرمانشاه
- اعتصاب ۱۴ روزه ۱۰۰۰۰ نفر از کارگران آجاجاری در اردیبهشت ۱۳۲۵
- اعتصاب های عظیم ۱۰۰۰۰۰ نفری کارگران صنعت نفت در اثر رد خواسته های کارگران برای اجرای مفاد قانون کار پس از سال های ۱۳۲۵
- موفقیات های ارزنده این شورای ملی سندیکایی در ایران را می توان به موارد زیر خلاصه کرد:

- دریافت حق نمایندگی در شورای عالی کار دولت وقت
- تصویب لایحه در سال ۱۳۲۳ برای تثبیت ۸ ساعت کار روزانه، دو هفته مرخصی سالانه با حقوق، ۶ هفته مرخصی برای زنان کارگر باردار، منع کار کودکان زیر ۱۲ سال و تامین بیمه های اجتماعی
- تصویب قانون کار در ۱۳۲۵، تعطیلی روز اول ماه می به عنوان روز همبستگی بین المللی زحمتکشان
- شکل گیری خواست های سیاسی کارگران چون عدم دخالت شرکت انگلیسی نفت در حیات سیاسی کشور

- انحلال شعبه سیاسی شرکت نفت  
- برکناری استاندار دست‌نشانده در خوزستان  
چنانچه اشاره شد موفقیت‌های جنبش‌های طبقه کارگر و جنبش سندیکایی ایران در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ حیرت‌آور است. این قدرت‌مشکلاتی را ابتدا برای حکومت داخلی و دوم برای امپریالیسم خارجی پدید آورد. شرکت‌های نفتی غالباً با اعتصابات موسمی روبرو بودند و کنترل اوضاع از دستشان خارج شده بود. کارگران سنگر جلو می‌آمدند و مرتباً خواست‌هایشان از فضای صنفی خارج شده و رنگ و بوی سیاسی می‌یافت. از طرفی این دوران همزمان بود با قدرت‌گیری بلوک سوسیالیستی در شمال. خطر برای قدرت‌های استعماری بسیار جدی بود. لذا کم‌کم زمینه‌های سرکوب‌تأمی جنبش‌های مبارزاتی به مدد الطاف مکرر امپریالیسم فراهم آمد. این یورش‌ها و حملات را می‌توان به صورت زیر تنظیم کرد:

- یورش و سرکوب خونین جنبش ملی و دموکراتیک آذربایجان و کردستان در ۱۳۲۶ و ۱۳۲۷

- یورش به شورای متحده مرکزی اتحادیه کارگران و زحمتکشان در ۱۳۲۶  
- توطئه ساختگی ترور شاه و قدغن کردن فعالیت حزب توده ایران در بهمن ۱۳۲۷  
با وجود این سرکوب و خفقان‌گسترده، مقاومت‌ها همچنان ادامه داشت. برای نمونه می‌توان به اعتصاب کارگران کارخانه شاهر در ۱۳۲۹ و درگیری آن‌ها با نیروهای مسلح و پس از آن به اعتصاب عظیم کارگران صنایع نفت در ۱۳۲۹ و ۱۳۳۰ که به تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت و سپردن دولت به محمد مصدق انجامید، اشاره کرد.

در این مجموعه مقالات از بررسی حوادث گسترده سیاسی سال‌های ۳۰ که خود حکایتی دراز دارد می‌گذریم و صرفاً به وضعیت و چگونگی نمو جنبش کارگری بسنده می‌کنیم. این جنبش عظیم با تمام ظرایف و فراز و نشیب‌هایش این واقعیت را به اثبات رساند که تشکل مستحکم کارگری در هر شرایطی ممکن است و صرفاً یک ایده ذهنی و جزمی نیست. متأسفانه کودتای مرگبار ۲۸ مرداد این جنبش پر بار را به خاک و خون کشید و برای مدت زمان زیادی قدرت عمل را از آن سلب نمود.

در دوران حکومت دکتر مصدق و ملی‌شدن صنعت نفت، نیروهای وابسته به جبهه ملی حداقل همکاری را نیز با جریان‌های سندیکایی کارگران نمی‌کردند. موضوع این بود که در آن تاریخ تأیید حرکت‌ها و اعتصابات‌های کارگری معنایی نمی‌داد جز توده‌ای بودن، کمونیست بودن، جاسوس شوری بودن. از طرفی سفیر آمریکا نیز مرتباً به آن‌ها نهیب می‌زد که با این آزادی‌هایی که به کارگران و توده‌ای‌ها داده‌اید پس فردا منتظر تانک‌های روس باشید و از این قبیل اراجیف که به کرات شنیده‌ایم. بنا به همین دلیل بود که این جبهه و رهبران آن هیچ‌گاه حاضر به همکاری با جنبش‌های سندیکایی و کارگری نشد و تیر تفرقه امپریالیسم به هدف نشست و زمینه‌های کودتا فراهم آمد.

این واقعیت تلخ متأسفانه هنوز هم در هاله‌ای از ابهام است و با گذشت بیش از نیم قرن هنوز هم باقی‌ماندگان جبهه ملی از بیان آن طفره می‌روند. امروزه روز دیگر لولوی شوری وجود ندارد ولی باز هم هرگاه مسایل کارگری به میان می‌آید آن‌ها با بی‌تفاوتی مثال‌زدنی‌ای از کنار آن می‌گذرند. تاریخ قطعاً روزی بر همگان آشکار خواهد کرد که انسان آگاه از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود.

### پایان بخش اول

منابع:

- صنایع و پیدایش طبقه کارگر ایران، پروفیسور عبدالله یف، چاپ باکو ۱۹۶۳
- تاریخ ایران بین دو انقلاب، پروانده آبراهامیان

- تاریخ احزاب خرده بورژوازی و لیبرال در ایران، نوشته ی رسول مهربان
- شمه ای در مورد تاریخ جنبش کارگری ایران، عبدالصمد کامبخش
- تجربه ۲۸ مرداد، فرج الله میزانی
- جنبش سندیکایی در ایران، م. کیهان

خنده